



۲۰۱۵/۰۳/۱۸

عبدالرحمن فرقانی

## در مورد "اسلام و زن"

**! خوانندگان محترم پورتال "افغان جرمن آنلاین"****! السلام عليكم ورحمه الله وبركاته**

من هم چون دیگران سرگردان زندگی و مشغولیت‌های بی پایان آن استم ، و اگر احیانا در کنار مسوولیت‌های کاری و فامیلی خویش وقت پیدا کنم به اثر علاقه خویش به جهان مطبوعات سر میزنم تا از اخبار میهن عزیز افغانستان و اخبار جهان که درین اواخر حوادث ان بسا اذیت کننده و درد اور است اطلاع یابم و گاه گاهی هم علاقه دارم به مطالعه مقاله ها معیین به معلومات خویش بافزاییم.

در مناسبت هشتم مارچ "روز زن" مقاله "اسلام وزن" را که از دیر زمان انرا از آثار مرحوم استاد "محمدقطب" ترجمه کرده بودم به بعضی از سایت های افغانستان ارسال کردم ،که به گمان اغلب به سایت "افغان جرمن آنلاین" یز انرا غرض نشر ارسال کرده بودم . عادت دارم تا مطالب خود را که به مطبوعات ارسال میدارم ،تعقیب کنم ،تا بفهمم، که عکس العمل دیگران در قبال ان چه است و چونکه در آغاز یک بار به پورتال "افغان جرمن" سر زدم و مطمئن شدم ،که "افغان جرمن آنلاین" مقاله من را نشر نکرده ،دوباره به پورتال سره نه زدم ،اما از باب تصادف به پورتال "تول افغانستان" سر زدم ، که به گونه مصادفه تبصره محترم "قیس کبیر" را در انجا مطالعه نمودم ،سپس به مصدر اصلی رو اوردم ، تا تفصیل موضوع را جویا شوم ،در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نظریات مختلف را درین مورد مطالعه نمودم که در ارتباط به ان ذیلا مینگارم ..

### "الاختلاف في الرأي... لا يفسد للود قضية"

قبل از اینکه به بحث در مورد بعضی از نظریات که در رابطه به مقاله "اسلام وزن" که از نوشته استاد دانشمند متفکر جهان اسلام استاد "محمد قطب" است بپردازم ،مفهوم یک مقوله عربی فوق الذکر را در خصوص بحث و مناقشه علمی که صدقیت بسزای خویش را درین راستا دارد، خدمت همه خوانندگان عزیز به میان میگذارم، مقوله مذکور به این معناست و یا هم این مفهوم را میرساند، که اختلاف نظر در مسایل علمی در نهایت نباید باعث تیرگی و کدورت علاقه موجود شود و نباید محبت و دوستی را که در مقابل یک دیگر از قبل موجود است را خدشه دار سازد ، و با نظر داشت اساسات و اصول بحث و مناقشه علمی که مراعات دیموکراسی و ازادی بیان نسبی و عدم استبداد به رای خویش، عدم نگرستن ب دیده کم به ارا و نظریات دیگران، دوری جستن از تطرف و عنصربیت و عصبانیت در بحث علمی و مراعات ادب مناقشه و مباحثه ..... میخوام به بحث مذکور در پورتال افغان جرمن آنلاین وارد مناقشه شوم و ارزومندم تا پورتال افغان جرمن آنلاین از باب حق دفاع و ازادی بیان مقاله ام را بدست نشر بسپارد و چونکه در بعضی از نظریات برادران وخواهران با ذکر اسم در حقم تعرض صورت گرفته است ، من که به علت توضیح موقف زن و حوق زن در اسلام و همچنان در مورد رد شبهات یکه درین راستا از دشمنان اسلام بر ضد اسلام ترویج میشود، به ترجمه این مقاله علمی و منطقی اقدام نمودم قصد داشتم، تا مقالات دیگری را نیز که در کتاب "شبهات حول الاسلام" اثر استاد "محمد قطب" است را نیز ترجمه نمایم، هر چند موضوعات مذکور همواره در مورد اسلام بگونه تبلیغ میشود، تا سرانجام مردم در مورد اسلام شک و تردید پیدا کنند اما باتاسف به علت نبود فرصت کافی نتوانستم تا اکنون به این تصمیم خویش نایل ایم .

نخست باید از برادر بزرگوار و دانشمند عزیز "خلیل الله هشمیان" به علت موقف علمی و منطقی وی ابراز سپاس و امتنان نمایم و چون وی درک نموده است، که در مقاله مذکور به بسا مسایل مربوط به زن و حقوق ان به اساس دلایل منطقی ، عقلی و علمی جواب گفته شده است و خوانش و فهم ان برای زنانیکه تحت تاثیر تبلیغات

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنې دلیکنېزې ښې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

ماشین غرب بر ضد اسلام قرار گرفته اند، بسیار زیاد مفید است و شاید هم روی همین ملحوظ متقاضی باز نشر مقاله مذکور در پورتال افغان جرمن آنلاین گردیده باشند. و قابل تذکر است که این مقاله از استاد "محمد قطب" است، نه هم از استاد شهید "سید قطب" و من طوریکه استاد دانشمند "خلیل الله هاشمیان" فرموده اند بجز از ترجمه آن جسارت آن را نکرده ام، تا در مورد نظریات ایشان ابراز نظر کنم.

ثانیا در مورد اظهارات برادر محترم "قیس کبیر" که هم اسم و هم تخلص شان عربی است، در عموم باید گفت که یک مشکل بسیار بزرگ ما اینست، که ما اسلام را بطور میراث از اجداد خویش دریافت نموده و به فهم بسیار کوچک از بحر عظیم اسلام اکتفا نموده ایم، دور از حقیقت اسلام صرف به نام اسلام میبایم و همواره شکار دسیسه بزرگ استعمار فکری غرب که به تفریق سیاست از دین تاکید میکند، بازی خورده ایم، و دین را در جامعه به یک قشر معین مختص گردانیده ایم، که نامش در جامعه ما و شما "ملا" است، اما دیگران از مسوولیت دانستن دین بر اساس این منطق مبرا هستند! حال آنکه اسلام هیچوقت به تفریق دین از سیاست اعتراف نمیکند بلکه سیاست را جز مهم از دین میندازد... و در خصوص اگر به تبصره شان دقت کنیم نکات چندی را تذکر داده میتوانیم؛ نخست اگر از عنوان تبصره آغاز کنیم در اصل عنوان مقاله "اسلام وزن" است یعنی موقف اسلام در مورد زن اما آنها عنوان را به این گونه در آورده تحریف کرده اند "زن و اسلام" بدینمعنا که موقف زن در مورد اسلام... دوم استدلال کرده اند که اسلام در زمان نزولش دارای قوانین بلند و بالایی در مورد حقوق زن داشت یعنی بمعنا بسیار واضح که در زمان نزول این قوانین خوب بود اما اکنون که غرب از حیث مادیات بسیار پیشرفته و مترقی شده است، این قوانین بلندی و بالایی خویش را از دست داده و در راستا احقاق حقوق زن قابل اعتماد نمیباشد.

بجاست در اینجا یکی از خاطره های شهید "سید قطب" را هنگامیکه در امریکا مسکن گزین گردیده بود در مورد جامعه مترقی غرب به خوانندگان عزیز نقل کنم ایشان در کتاب خویش بنام "امریکایکه من انرا دیدم" نوشته است.. "روزی در محل سکونت من شوهر یکی از همسایه هایم در گذشت و من فردا انروز به پاس همسایداری فکر کردم که بخاطر عذاداری آنها به خانه شان که در جوار محل سکونت من واقع بود بروم، وقتی به خانه شان رفتم چند تن از زنان در سالون خانه باوی نشسته بودند، و وقتی که فرصت سخن را یافتم کوشش کردم چند کلمه در مورد تسلیت و غم شریکی با آنها عرض دارم وقتی سخنان من به پایان رسید، خانم ای که شوهر خویش را یک روز قبل از دست داده بود مخاطب به زنها موجود گفت.. خوشبختی من درین بود که شوهر من بیمه شده بود و از برکت بیمه وی برایم یک مبلغ محترم بدست آمد..!!، من از مجلس مرخص شده و تا مدت زیادی در مورد ارتباط و علاقه شوهر و زن در جامعه غرب مشغول فکر شدم."

اینست حالت یک زن مترقی در یک جامعه مترقی که بعد از یک مدت دور و دراز بعد از همه فراز و نشیب را که با همسر خود سپری نموده بعد از مرگ هیچ اثر و خبری از علاقه محبت و خاطرات اثر گذار آنها باقی نمیماند بجز از مادیات چیزی دیگری اصلا مطرح نمیباشد.

اما در مورد استدلال شان اینکه باید در ارتباط به سیاست و دین و کلتور فرق شود، باید گفت.. طوریکه قبلا اشاره صورت گرفت، اسلام هیچ وقت به تفریق سیاست از دین اعتراف نه کرده است بلکه باساس تصور دین مبین اسلام سیاست باید جزء دین باشد و نه برین اعتراف کرده، که دین در جامعه به یک قشر معین مختص شود و دیگران در مورد فهم کامل و حتی المقدور آن مسوولیت نداشته باشند.. و وقتی "محمد قطب" در مورد حقوق زن از دین مبین اسلام دلیل می آورد و در مورد برخورد غرب با زن از کلتور حاکم بر جامعه غربی ناشی از انقلاب صنعتی مثال میزند حقیقت اینست؛ که جامعه غرب در آن زمان و بعد از آن در مورد حقوق از مصدر دین چیزی نداشت دین درین مورد عجز خود را اعلان نموده بود پس چیزی که میسر بود تا در موردش در عرصه حقوق زن قضاوت صورت گیرد همان ارزشهای کلتوری و اجتماعی بود که تا اکنون در ساختار اجتماعی و موقف زن در جامعه غربی حاکم است.

اما در مورد اینکه "سید قطب" شست سال قبل با افکار برخاسته از یک جامعه زراعتی و فیودالی به ضد یک جامعه صنعتی که در آن زمان دچار مشکلات فراوان بود ابراز نظر نموده است، باید گفت که نخست این نوشته طوریکه قبلا گفتیم نوشته "محمد قطب" است که تقریبا قبل از یک سال وفات نمود و هیچ ربطی به شهید سید قطب ندارد با تاسف باید گفت که ما بعضی اوقات بدون اینکه نظر درست را از نظر خطا تفکیک کنیم به اساس نام صاحب نظر قضاوت میکنیم بدون اینکه نظر را درست تحلیل کنیم صرف به نام صاحب آن حساسیت نشان میدهم و موقف میگیریم به هر صورت تصور اسلام اینست که قول درست را مومن و مسلمان در هر جای که یافت از هر

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلښکني د لښکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

کسیکه بود باید انرا بپذیرد و به ان عمل کند "الحکمة ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو أحق بها" صفت مسلمان  
انست تا بر حق استاده باشد و حق با هر کسیکه باشد انرا از وی بپذیرد .  
و اسلحه که "محمد فطرب" به ان استناد نموده است اسلحه است، که بعد از سپری شدن چهارده قرن بیش هم  
مصدقیت و مفیدیت خویش را از دست نه داده است و اکنون هم از عدالت در بین مرد وزن دلایل منطقی خویش  
را دارد و به گونه نظریات وضعی بشری در ان تغیر هم با گذشت چهارده قرن پدید نیامده است. و اصالت خویش را  
کما فی السابق حفظ نموده است .  
ادامه دارد ...

---

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ